

در سال ۱۴۰۰
یک اجماع ملی
پشت سر حضور
آقای رئیسی بود.
در ۲۵ خرداد ۱۴۰۰،
یعنی سه روز مانده
به انتخابات،
چهره‌های شاخص
روزنامه‌نگاری
جریان اصلاح طلب
با آقای رئیسی دیدار
کردند. ادبیات آقای
رئیسی ادبیات
جناحی نبود. روزی
که برای ثبت نام
آمد، گفت: من
عضو هیچ جناح
سیاسی نیستم، به
هیچ جناحی تعهد
ندارم و تعهدم به
مردم ایران است.

نماینده گفتمان رسمی نظام در حوزه عمومی است.
برای نمونه بگذارید به اقتضائات گفتمان فرهنگی آیت الله رئیسی بپردازم. گفتمان
فرهنگی ایشان باید گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی را نمایندگی کند. در گفتمان
رسمی انقلاب در حوزه فرهنگ به حضور دولت قائلیم، به سیاست گذاری و نظارت
دولت قائلیم؛ اما به بی طرفی دولت در عرصه فرهنگ قائل نیستیم و با ولنگاری
دولت در امور فرهنگی مخالفیم. معتقدیم که هنجارهای اسلامی باید در جامعه
ساری و جاری شود و این ارزش‌ها را باید خیلی صریح به زبان بیاوریم. مشابه
ادبیات آقای رئیسی را در بین ادبیات رؤسای جمهور قبل کمتر می‌بینید. آقای
رئیسی تولیت آستان قدس و رئیس قوه قضائیه بود و این باورمندی به گفتمان نظام
را به روشنی نشان می‌داد. مردم نیز با وجود روشن بودن گفتمان سیاسی، فرهنگی،
اجتماعی و اقتصادی ایشان و به دلیل دارا بودن نزدیک‌ترین ادبیات به گفتمان
رسمی انقلاب اسلامی، به قانون اساسی و به ادبیات امام (ره) و رهبری، در سال ۱۴۰۰
به آقای رئیسی رأی دادند. شما اگر افراد را با هم مقایسه کنید، این صراحت و قرابت
را بیشتر در آقای رئیسی می‌بینید. آقای رئیسی با دقت در انتخاب کلمات، مقید
بود کلماتی را انتخاب نکند که باری دوپهلوی داشته باشد و بوی فریبکاری بدهد.
آقای رئیسی جاهایی می‌درخشید که دشمن تلاش می‌کرد این نقطه‌ها را منفی
نشان دهد؛ مثلاً در عصر آزادی‌های بیان یا در موضوعات مربوط به آزادی‌های
اجتماعی یا در نگاه مدیریت فرهنگ جامعه به شدت به آزادی بیان و به سعه صدر
در حاکمیت قائل است. در کابینه‌اش چند نفر از رقبایش حضور دارند. اگر فردی
از سطح بالای گشودگی و مدارا برخوردار نباشد، به طبع با چنین افرادی نباید بتواند
کار کند. در حوزه مدیریت سیاسی و افکار عمومی هم همین‌طور است. ایشان در
دوره ریاست قوه قضائیه برای اولین بار محکومان دانشجویی و سیاسی را عفو کرد.
این مشی ایشان است. ذات و مرام همیشگی آقای رئیسی این‌گونه است. مشی
آقای رئیسی بدون شک در حوزه مدیریت فرهنگی آن تساهل و تسامح فریبنده
که غربی‌ها دنبالش هستند، نیست و معتقد است ما باید به اهداف، هنجارها و
آرمان‌های انقلاب اسلامی پایبند باشیم. در حوزه مدیریت اجتماعی کاملاً منطبق
گفت‌وگو و منطق آزاداندیشی را قبول دارد که این از نشانه‌های گشودگی و آزادگی
ایشان است. آقای رئیسی نسبت به مخالف‌ترین مخالف‌هایش هم به لحاظ
شخصی اظهار رواداری و فروتنی دارد. کسی خودرأیی و تندخویی و نقدناپذیری
را در وجود ایشان نمی‌بیند. هرکس به ایشان نزدیک می‌شود این روحیه را می‌بیند.
من به عنوان وزیر فرهنگ شاید در شش‌هفت جلسه اجتماعی در جمع
هنرمندانی که به آقای رئیسی رأی ندادند، رئیس‌جمهور را همراهی کردم؛
تقریباً کسی نیست که یک جلسه با ایشان بیاید و معتقد نباشد این تصویری
که شبکه‌های ماهواره‌ای و رقبای سیاست‌زده درست کردند، ۱۸۰ درجه با این
چیزی که ما دیدیم فرق می‌کند؛ مثلاً دو شخصیت مشهور جریان اصلاح طلب